



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل سوم شخصیت

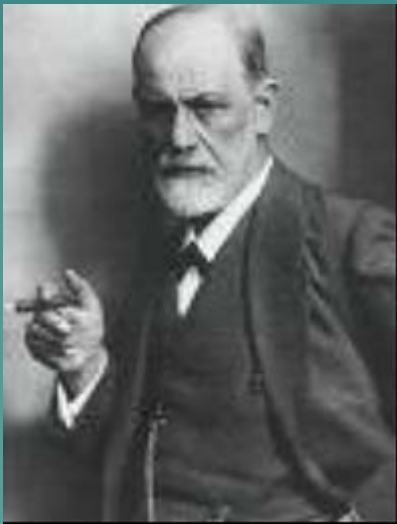
نظریه روانکاوی

سه بخش شخصیت از دیدگاه فروید:

◆ هشیار، تمام احساس ها و تجربه هایی است که در هر لحظه ی معین از آن ها آگاهیم.

◆ ناهشیار، امیال و آرزوهایی که رفتار ما را هدایت می کنند و شامل نیروی سوق دهنده ی عمده در پشت کل رفتار است و مخزن نیروهایی است که نمی توانیم آن ها را ببینیم یا کنترل کنیم.

◆ نیمه هشیار، بین این دو سطح قرار دارد و مخزن خاطرات، ادراک ها و افکاری است که ما در لحظه به صورت هشیار از آن ها آگاه نیستیم، ولی می توانیم آن ها را به راحتی به هشیاری فراخوانیم.



- ◆ تصویر وی از ماهیت انسان جبری و بدبینانه بود
- ◆ ۵ سال اول زندگی را مورد تاکید فراوان قرار داد
- ◆ ۴ مفهوم بنیادی را بیان کرد:
 - ◆ سطوح هوشیاری
 - ◆ ساختار شخصیت
 - ◆ مراحل رشد روانی جنسی
 - ◆ مکانیسمهای دفاعی

فروید

اجزاء شخصیت از نگاهی دیگر:

◆ نهاد، مخزن غرایز و لیبدو و ساختار قدرتمند شخصیت است، زیرا تمام انرژی لازم را برای دو جزء دیگر فراهم می کند.

◆ من، به شیوه ای عملی و واقع بینانه، محیط را درک و دستکاری می کند و طبق اصل واقعیت عمل می کند. (اسب و سوارکار)

◆ فرامن، مجموعه ی قدرتمند و عمدتاً ناهشیار دستورات و اعتقاداتی که در کودکی آنها را فرامی گیریم، این اصول اخلاقی درونی را «وجدان» می خوانیم.



نظریه رشد روانی-جنسی شخصیت Psychosexual

paymanpsychology.com





نظریه آلفرد آدلر

- ۱- احساس حقارت
- ۲- احساس برتری
- ۳- روش زندگی
- ۴- خود آگاهی
- ۵- علاقه اجتماعی
- ۶- غایت و هدف زندگی

◆ روش روانشناسی با مسئله حقارت شروع و پایان می یابد . احساس خود کم بینی یا حقارت در افراد ناشی از نقص و ضعف جسمانی است . به نظر آدلر ، وجود ناتوانی و ضعف در همه افراد عقده حقارت ایجاد می کند و کوششهای بعدی آنان نیز در زندگی ، مصروف جبران یا پوشاندن آن می شود پس حقارت اساس تلاش و موفقیت انسان است . از طرف دیگر ، احساس حقارت پایه و اساس تمام مشکلات ناشی از ناسازگاری روانی آدمی است .

◆ عقده حقارت منجر به تمایل فرد برای فرار می شود و این تمایل در عقده برتری بیان می گردد .



آدلر عقیده داشت که همه افراد آدمی دارای احساس حقارت هستند و همین احساس حقارت باعث می شود که مردم در جهت از بین بردن آن و یا در جهت بهتر و برتر شدن ، تلاش زیادی را از خود نشان دهند . این تقلا و تلاش رقابت آمیز شخص در جهت برتر و بهتر شدن از دیگران نیست بلکه تمایل مثبتی است برای غلبه کردن بر نقص ها و کمبودهای خود تا با کمک گرفتن از این منابع ، به تکامل فردی دست یابد .

ترتیب تولد :

- به جایگاه و ترتیبی گفته می شود که بچه در خانواده بدنیا می آید.
- با وجود اینکه همشیرهها ، والدین یکسانی دارند و در يك خانه زندگی می کنند ، محیط های اجتماعی همانندی ندارند.
- آدله دربارۀ ترتیب تولد ویژگیهایی را برای فرزندان (اول ، دوم ، تك فرزندان ، فرزندان آخر) بیان می کند .

سالیوان

- ◆ وی تئوری روابط بین فردی شخصیت را ارائه نمود
- ◆ روابط بین افراد تجاربی را فراهم می سازد که در شکل گیری شخصیت بهنجار یا نابهنجار شخص نقش دارد
- ◆ خودپنداری حاصل ارزیابی خود توسط دیگران است
- ◆ احساس امنیت و اعتماد در کودک تصور من خوب و خودپنداری مثبت و عدم اعتماد من بد و خودپنداری منفی را نشان میدهد

نظریه کارل گوستاو یونگ

- ◆ یونگ با نظریه فروید که لیبیدو را عمدتاً غریزه های جنسی و پرخاشگری میدانست مخالف بود و معتقد بود لیبیدو از تمام انرژی حیاتی مانند انگیزه های مثبت و روحانی سرچشمه می گیرد
- ◆ همچنین شخصیت را فقط حاصل تجربه های گذشته فرد نمیدانست. بلکه هدف و آرزوهای آینده را نیز موثر میدید
- ◆ روان کاوی تعدیل شده و تغییر یافته توسط یونگ روانشناسی تحلیلی نامیده می شود

◆ خود:

◆ همان ذهن هوشیار یا خودآگاه است که به ادراک، تفکر و احساس مربوط می شود و مسوول انجام فعالیت های طبیعی در زمان بیداری است

◆ ناخودآگاه شخصی: شامل تجربه هایی که زمانی در خودآگاه بودند و سرکوب شده اند

◆ ناخودآگاه جمعی: عمیق ترین و دست نیافتنی ترین سطح روان

◆ خاطرات نسل های گذشته و به آن نا خودآگاه قومی و نژادی نیز می گویند

- ◆ کهن الگوها: اندیشه های همگانی که با آن متولد شده ایم و اساس شخصیت را تشکیل میدهند
- ◆ پرسونا: چهره اجتماعی که فرد خود را با آن معرفی میکند
- ◆ آنیما: جنبه زنانه شخصیت مرد
- ◆ آنیموس: جنبه مردانه روان زن
- ◆ سایه: مخزن غرایز حیوانی ابتدایی
- ◆ خویشتن: وحدت و یکپارچگی کل شخصیت که هدف نهایی زندگی می باشد
- ◆ یونگ شخصیتهای درون گرا و برون گرا را نیز تعریف کرد

هورنای

مانند فروید دوران کودکی را در شخصیت موثر میدانست اما نقش عوامل اجتماعی و روابط کودک با والدین برای وی اهمیت بیشتری داشت

وی امنیت را بسیار مهم می دانست و معتقد بود احساس امنیت کودک به نحوه برخورد والدین با او بستگی دارد

اضطراب اساسی: یکی از مفاهیم بنیادی در نظریه هورنای است و عبارت است از احساس فزاینده و فراگیر تنهایی و درماندگی در یک جهان متخاصم

◆ کودکی که دچار اضطراب اساسی شده برای مدارا به یکی از شرایط زیر متوسل می شود:

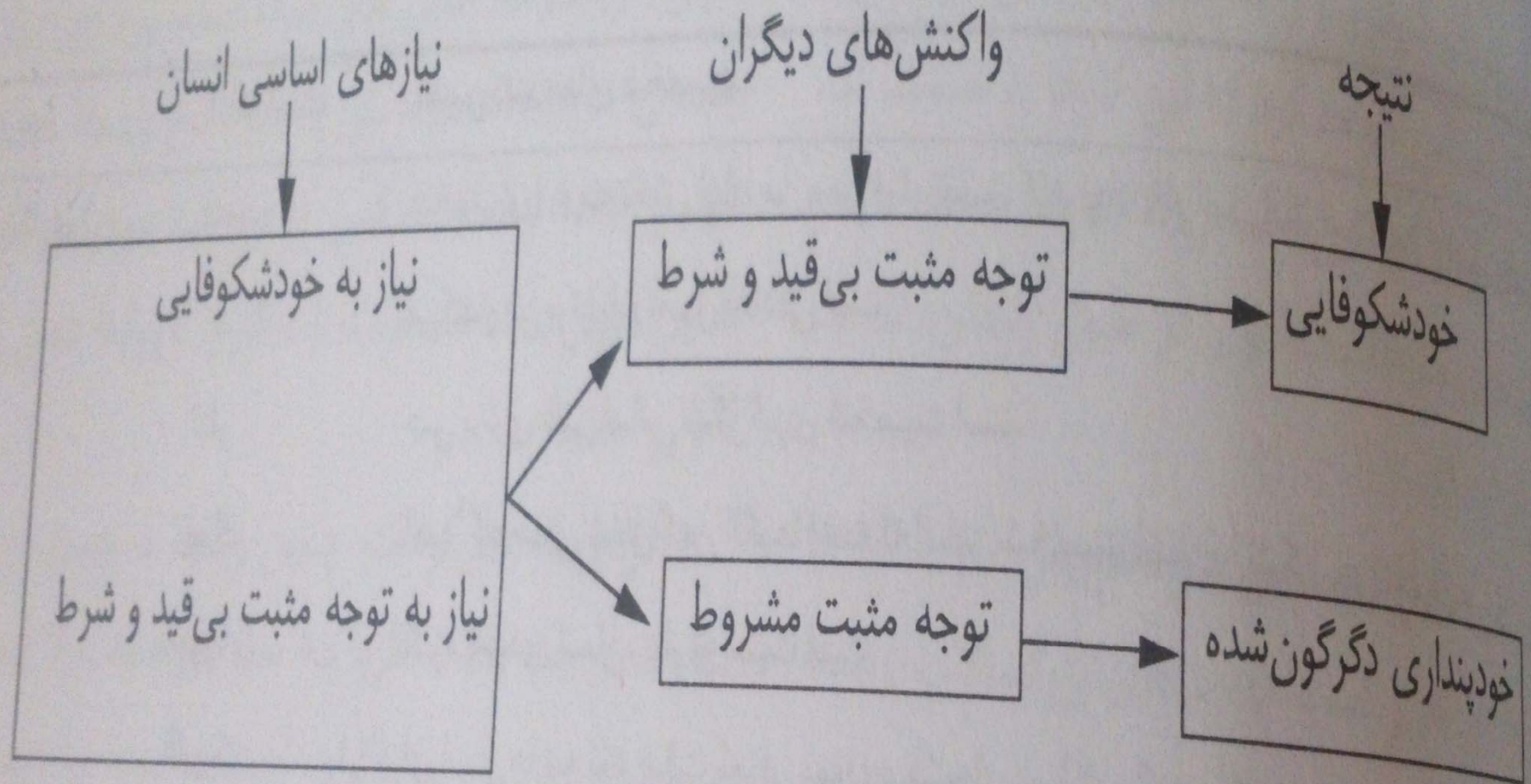
◆ رفتن به طرف مردم

◆ دور شدن از مردم

◆ حرکت بر ضد مردم

نظریه راجرز

- ◆ هر فرد موجود یکتایی است که می تواند استعدادهایش را به طور کامل تحقق بخشد. این استعدادها از زمان تولد در فرد وجود دارند
- ◆ انگیزه مهم در رشد شخصیت تمایل به فعلیت بخشیدن و تجربه گری است
- ◆ خود یا خودپنداره: الگوی سازمان یافته ای از ادراکات فرد که من را مشخص میکند
- ◆ خود آرمانی: خودی که میخواهیم به آن برسیم
- ◆ هرچه فاصله خود آرمانی و خود واقعی بیشتر باشد ناسازگاری شدیدتر رخ میدهد



۱. نظریه شخصیت راجرز

نظریه مازلو



خصوصیات افراد خودشکوفا از نظر مازلو

- ◆ واقع نگری
- ◆ مساله محوری
- ◆ تمایل به برقراری روابط صمیمانه با افراد خاص به جای آدمهای سطحی
- ◆ خلاقیت زیاد
- ◆ برخورد آزاد منشانه و بدون پیش داوری دیگران

◆ جان باولبی: دلبستگی یک پیوند هیجانی بین مادر و کودک است و نوع بهنجار آن برای رشد شخصیت سالم ضروری است و موجب احساس ایمنی میشود

◆ هری هارلو: اثرات تشکیل نشدن دلبستگی را در میمونها مشاهده نمود

◆ مری اینزورت: رفتار گروهی از کودکان ۱۲ تا ۱۸ ماهه را زمان خروج مادر از اتاق بررسی کرده و ۳ نوع دلبستگی را مطرح کرد

◆ ایمن

◆ نا ایمن اجتنابی

◆ نا ایمن دوسوگرا

نظریه های رفتار گرایی

- ◆ عوامل محیطی و تجربه های فرد در رشد شخصیت وی دخیل هستند
- ◆ واتسون معتقد بود کل شخصیت انسان حاصل یادگیری است
- ◆ نوزاد مانند یک لوح سفید در انتظار یادگیری است
- ◆ رفتار گرایان برای شکل گیری شخصیت فقط به محرکها و پاسخها توجه دارند

◆ پاولف: یادگیری در اثر مجاورت با رخداد های محیطی حاصل میشود (شرطی سازی در آزمایش ترشح بزاق سگ و صدای زنگ و ترس آلبرت از موش)

◆ اسکینر: تقویت کننده ها را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم کرد (آزمایش موش گرسنه در قفس و تکان دادن اهرم و دریافت غذا)

رویکرد اجتماعی شناختی آلبرت بندورا

- ◆ فرد با مشاهده رفتار دیگران:
- ◆ با استفاده از فرایندهای شناختی رفتار را به یاد میسپارد
- ◆ چیزی را که مشاهده کرده انجام میدهد
- ◆ تصمیم میگیرد آیا میخواهد آن رفتار را ادامه دهد یا خیر
- ◆ از این نظریه در درمان فوبی و گروه درمانی استفاده میشود (آزمایش بوبو)

رشد شخصیت

♦ رشد جسمانی

♦ رشد روانی-اجتماعی

♦ رشد شناختی

♦ رشد اخلاقی

مراحل رشد اجتماعی هیجانی

اریک اریکسون
Migna.ir

- طفولیت
- نوجوانی
- اوایل کودکی
- اواسط و اواخر کودکی
- نوجوانی
- اوایل بزرگسالی
- اواسط بزرگسالی
- اواخر بزرگسالی



رویکردهای شناختی

- ◆ هر فرد برای شناخت محیط از طرح واره ها استفاده میکند
- ◆ طرح واره ها طی دو فرایند جذب و انطباق شکل می گیرند
- ◆ جذب: دریافت اطلاعات جدید توسط مغز
- ◆ تطابق: وفق دادن اطلاعات جذب شده با اطلاعات موجود
- ◆ طرح واره ها رفتارها و احساسات افراد را به صورت خطرناک، تهدیدآمیز، ناسازگار و... شکل میدهند

نظريه رشد شناختی پياڙه

- ۱ / مرحله حسي- حرکتي (تولد تا ۲ سالگي)
- ۲ / مرحله تفکر پيش عمليات (۲ تا ۷ سالگي)
- ۳ / مرحله عمليات عيني (۷ تا ۱۱ سالگي)
- ۴ / مرحله عمليات صوري (۱۱ تا آخر نوجواني)*

مرحله حسی حرکتی (تولد تا دو سالگی)

- در این مرحله نوزاد ابتدا از طریق مشاهده حسی یادگیری را آغاز می کند و سپس از طریق فعالیت و دستکاری محیط کنترل اعمال حرکتی خود را بدست می گیرد.
- این مرحله خود دارای ۶ مرحله فرعی است.
- یادگیری در این مرحله حاصل ترکیب بیولوژی موروثی با تجربه است. نوزاد با رفلکس مکیدن متولد می شود ولی جستجوی نوک پستان مادر و تغییر شکل دهان چیزی است که یادگرفته می شود.
- این فعل و انفعال با یک احساس آگاهی همراه است که **schema** یا طرحواره نامیده می شود*

- با تحرك بیشتر نوزاد طرحواره هاي ديگري بر روي ديگري ساخته مي شود و انواعي تازه تر و پيچيده تر بوجود مي آيد.
- بتدریج دنيای بصري، فضايي و لمسي نوزاد گسترش مي يابد.
- احساس پايداري شئی (object permanence) در اين دوره رخ مي دهد*

- در حدود ۱۸ ماهگی نمادسازی (symbolization) با کاربرد کلمات یاد گرفته می شود.

- کلمات و یا اشیاء برای او و در ذهن او معرف یک شیء واقعی است که خارج از بدن او و در دنیای خارج قرار دارد.

- پیدایش پایداری شیء نماد انتقال از مرحله حسی - حرکتی به مرحله پیش عملیات است*

مرحله تفکر پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)

- استفاده گسترده تر و بیشتر از کلمات و نمادها
- کودک قادر به تفکر قیاسی و منطقی نیست و او بدون استفاده از استدلال یاد می گیرد. مفاهیم او ابتدایی است.
- می تواند اشیاء را نام ببرد اما قادر به طبقه بندی آنها نیست.
- در اوائل احساس علت معلولی در کودک وجود ندارد.
- کودک از درک یکسان بودن یک شیئی در موقعیتهای مختلف ناتوان است*

- از کلمات ترکیبی استفاده می شود.
- احساس مبهمی از خوب و بد دارد و قضاوت اخلاقی برای او دشوار است.
- کودک خودمدار (egocentric) است. او درک نمی کند که چرا برای آنکه برادرش بتواند مطالعه کند باید ساکت باشد!!! او قادر به تعدیل رفتار خود بخاطر دیگری نیست.
- تفکر سحرآمیز (magical thinking) دارند.
- زنده پنداری (animistic thinking) دارند*

عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی)

- فکر خودمدارانه جای خود را به تفکر عملی می دهد.
- کودک به تدریج از تفکر منطقی استفاده کرده و قادر است اشیاء را بر اساس خصوصیات مشترک آنها طبقه بندی، تنظیم و درجه بندی نماید.
- استدلال قیاسی در این مرحله بوجود می آید. مثلاً تمام اسبها پستاندارند (یک خصوصیت)، تمام پستانداران خونگرمند (یک خصوصیت)، پس تمام اسبها خونگرمند (نتیجه گیری)
- کودکان قادر به برنامه ریزی و پیروی از اصول و مقررات می شوند*

- تشخیص نگهداری یا درک بقاء (conservation) که مشخصه این مرحله است به این معنی است که هر چند ممکن است شکل و فرم اشیاء تغییر کند اما شیئی هنوز سایر خصوصیات خود را دارد. به این مفهوم "این همانی" نیز گفته می شود.
- برگشت پذیری (reversibility) دیگر مشخصه این مرحله است. کودک می فهمد که یخ و آب یک چیز هستند و قابل تبدیل به یکدیگرند.
- درک بقاء ماده، طول، تعداد و مایعات نیز از مشخصات این مرحله هستند*

دوره عملیات صوری (۱۱ سالگی تا آخر نوجوانی)

- توانایی نوجوان به تفکر انتزاعی و فرضیه پردازی مشخصه این مرحله است.
- مفهوم احتمالات بخوبی درک می شود.
- مفاهیم فلسفی، اخلاقی و سیاسی مورد علاقه نوجوان است.
- ممکن است حالتی شبیه تفکر خودمداری در این مرحله رخ دهد (اما در سطحی بالاتر). مثلاً نوجوان فکر می تواند به کمک فکر هر تغییری را بوجود آورند و قادر به هر کاری هستند*

ان حسن العجہ سما سب سگزارم

